یک کارگردان و برنامه‌ساز مطرح کرد

# صداوسیما برای بقا ناچار از تغییر است

## روند سرمایه‌سوزی در کشور باید متوقف شود

**بخش فرهنگی** – تهیه‌کننده و کارگردان مجموعه «ممیزی» اعلام کرد با اینکه این اثر درباره سانسور در فضای فرهنگ و هنر است، اما تاکنون دچار ممیزی در روند تولید و پخش نشده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، مجموعه طنز «ممیزی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حامد جوادزاده و بازیگری وحید آقاپور در دو فصل ساخته شده است. این مجموعه به صورت آنلاین در یکی از پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی هر هفته منتشر می‌شود و در هر قسمت به سراغ ترانه و موسیقی خاصی می‌رود و از منظر طنز به فضای سانسور پیرامون آن اثر هنری می‌پردازد. به مناسبت پخش دو فصل از مجموعه موفق «ممیزی»، به سراغ حامد جوادزاده یکی از کارگردانان و برنامه‌سازان تلویزیون و نمایش خانگی رفتیم و گفت‌وگویی با وی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید:

**◆ چطور شد تصمیم گرفتید با یک پلتفرم همکاری داشته باشید و مجموعه‌ای طنز تحت عنوان «ممیزی» را بسازید؟**

زمانی که سردبیر یک برنامه رادیویی به نام «جوانی آزاد» بودم، طرحی همانند سریال «ممیزی» را تولید می‌کردیم. پس از آن وارد تلویزیون شدم و همان طرح را در قالب تصویری در برنامه «شهرآورد» که برای شبکه یک بود، ادامه دادم منتها آن‌گونه که باید به آن توجهی نشد. چند سال پیش، از گروه آپارات به من پیشنهاد ساخت مجموعه‌ای طنز شد و طی گفت‌وگوهایی که انجام دادیم به ایده‌ای از «ممیزی» رسیدیم. در همان زمان، پلتفرم «فیلیمو» درخواست کرد پخش مجموعه «ممیزی» را برعهده گیرد و درنهایت ساخت این مجموعه به چنین مسیری ختم شد.

**◆ در برخی از قسمت‌های مجموعه «ممیزی» شاهد هستیم که انتقادهای تندی صورت می‌گیرد. طی مدتی که از پخش این مجموعه می‌گذرد، اعمال نظر یا سانسوری از سمت ساترا (سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر) یا نهادهای دیگر نظارتی صورت نگرفته است؟**

«ممیزی» را برای پخش تحویل «فیلیمو» می‌دهیم و در جریان نحوه تعامل این پلتفرم با ساترا (سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر) نیستم که البته ترجیح می‌دهم که چیزی هم ندانم. جدا از این مسئله، من سالهاست با مشکل «ممیزی» بزرگ شدم و از آن لطمه خوردم. گاهی اوقات نکته‌هایی از آثار هنری را در معرض سانسور قرار می‌دهند که باورمان نمی‌شود. شاید بتوان گفت افرادی که می‌توانند اعمال نظر کنند با خالق اثر جهان متفاوتی دارند و نمی‌توان گفت که جهان کدام طرف درست و یا نادرست است.

**◆ سوژه‌هایی که در مجموعه «ممیزی» به کار برده‌اید؛ مابه‌ازای بیرونی هم داشته یا صرفا بر اساس تخیل نویسنده شکل گرفته‌اند؟**

بله برخی از آن‌ها را می‌دانیم که اتفاق افتاده و به کار بردیم و برخی از آن‌ها هم مابه‌ازای بیرونی ندارند. در واقع با جریان سانسور و ممیزی در آثار بزرگ شدیم و دیگر دستمان آمده که چه چیزی را در «ممیزی» به تصویر بکشیم.

**◆ به سوال قبلی برگردیم. تاکنون پیش آمده که به مجموعه «ممیزی»، ممیزی وارد شود؟**

خیر، به هر حال، ما می‌دانیم که حرفمان را چطور بزنیم. البته این را بگویم که این مجموعه را هیچ‌گاه تلویزیون پخش نمی‌کند. در تولیدات صداوسیما، اگر برنامه‌ای طنز بسازیم، اجازه استفاده برخی واژه‌ها و کلمات عربی، فارغ از این‌که چه پیامی را بازگو می‌کند، نمی‌دهند. برای مثال ما نمی‌توانیم کلمه «حدیث» را در برنامه طنز در صداوسیما به کار ببریم. صداوسیما به شکل خودساخته‌ای برای خودش خط قرمزهایی را به وجود آورده که نمی‌تواند ظاهر را رد کند تا به عمق محتوا برسد. یعنی به باطن تفکر سازنده اهمیتی نمی‌دهد و روی ظواهر یک اثر مانده است و به همین دلیل است که در حال حاضر نمی‌شود کار جدی در تلویزیون انجام داد.

**◆ در دهه‌های گذشته، برنامه و مجموعه‌های طنزی داشتیم که مانند «ممیزی» انتقادی بودند و روی آنتن هم رفته‌اند. آیا چنین برنامه‌هایی دیگر اجازه ساخت ندارند یا از همان ابتدا هم همین روند و خط قرمزها وجود داشتند؟**

تغییر یک شبه صورت نمی‌گیرد. مسئولان صداوسیما طی این سال‌ها آرام آرام به بهانه‌های مختلف با سازندگان و تولیدکننده‌ها شروع به مخالفت کردند و پس از مدتی متوجه شدیم که چه تغییرات کلانی در تفکر و نگاه به برنامه‌سازی رخ داده است. همان‌طور که رئیس جمهور کشورمان می‌گوید مسبب وضع موجود باید محاکمه شود، من هم معتقد هستم که افرادی که مسبب چنین وضعی در رسانه شده‌اند، باید شناسایی شوند. آقای جبلی (رئیس فعلی سازمان صداسیما) به صراحت گفته‌اند سازمان صداوسیما افت شدید مخاطب داشته، خب یک نفر باید پاسخ دهد که چرا این اتفاق افتاده است؟ به شخصه ۱۰ سالی می‌شود که در صداوسیما فعالیتی نمی‌کنم و در این زمینه سیاست‌گذار نیستم اما افرادی که سیاست‌ها را اعمال می‌کنند، باید پاسخگو باشند.

**◆ در پاره‌ای موارد و در طول سال‌ها شاهد حذف برخی چهره‌ها از رسانه ملی هستیم. چنین اتفاقی برای اهالی پشت‌صحنه نیز رخ می‌دهد؟**

حذف شدنی در کار نیست؛ در واقع فعالیت در صداوسیما از انتخاب‌های ما نیست و آن را خودخواسته کنار گذاشته‌ایم. به شخصه؛ ممنوعیتی برای حضور در صداوسیما ندارم و پیشنهادهایی هم می‌شود اما با شرایطی که وجود دارد، هیچ رغبتی به کار در سازمان ندارم. اتفاقا صداوسیما را خانه خود می‌دانم و مگر می‌شود کسی نخواهد برای خانه پدری‌اش کار کند؟ حتی پیش آمده که درباره تولید برنامه‌ای با شبکه گفت‌وگو می‌کنیم، مدیر شبکه هم موافقت خود را اعلام می‌کند؛ اما باز برخی مسئولان بالادستی جلوی کار را می‌گیرند. این اتفاق باعث می‌شود در چنین شرایط اقتصادی ریسک نکنیم و کار در سازمان صداوسیما را از انتخاب‌هایمان کنار بزنیم.

**◆ یعنی سازمان در حال سرمایه‌سوزی است؟**

نه تنها در صداوسیما؛ بلکه در بسیاری از بخش‌های کشور تا امروز سرمایه‌سوزی‌های بسیاری را شاهد بوده‌ایم. عادل فردوسی‌پور و فردوسی‌پورها از جیب صداوسیما به این درجه رسیده‌اند پس عقل حکم می‌کند که کنار گذاشتن آنها یعنی حرام کردن بیت‌المال. درنهایت سازمان صداوسیما باید مشخص کند که عادل فردوسی‌پور بد است یا خوب! اگر بد است چرا ۲۰ سال برای او هزینه کرده تا محبوب مخاطبانش شود؟ اگر خوب است چرا او را کنار می‌گذارد و دیگری را جایگزینش می‌کند؟ به عقیده من، این وضعیت که یک سازمان با سرمایه‌های مردمی، تربیت‌یافتگانش را از میدان خارج می‌کند، به نوعی اسراف و هدر رفت بیت‌المال است.

**◆ باتوجه به اینکه کار هم در صداوسیما و هم پلتفرم‌ها را تجربه کرده‌اید؛ بگویید وضعیت تولید و فعالیت در پلتفرم‌ها امروز چطور است؟**

وجود پلتفرم‌ها برای صنعت رسانه لازم است و اهالی رسانه این نیاز را درک می‌کنند. اما امروز شاهد هستیم افرادی که جزیی از رسانه نیستند و تخصصی در این زمینه ندارند، وارد این حوزه می‌شوند و برایش تصمیم می‌گیرند درحالی‌که سرنوشت رسانه و پلتفرم برایشان آنها اهمیتی ندارد. در نتیجه چون این افراد سقف مشترکی با اهالی رسانه ندارند؛ منجر به نابودی آن می‌شوند. درحالیکه اگر اهل صنعت رسانه باشند، نه تنها برای رشد آن همکاری می‌کنند بلکه ریسکش را هم می‌پذیرند. برای مثال ما معتقدیم که دکتر محمد قریب پدر طب اطفال است. چرا ایشان برای ما محترم است؟ زیرا دکتر قریب در دل ماجرای طبابت بود و در آن جهت تلاش می‌کرد تا علم را تبدیل به صنعت کند. اگر من به حوزه‌ای که اطلاعاتی از آن ندارم، ورود کنم و نظراتم را اعمال کنم؛ چه سرنوشتی در انتظار آن حوزه خواهد بود؟ مسلم است که موجب نابودی آن می‌شوم.

**◆ شما اعتقاد دارید که در رسانه افراد غیرمتخصص، جایگزین افراد ماهر و دارای علم این حوزه شده‌اند؟**

بله، حتی باید بگویم که بخش‌های مختلف رسانه از افراد غیرمتخصص پر شده است. این خروجی نامناسبی که از صنعت رسانه شاهد هستیم نتیجه ناکارآمدی همین افراد غیرمتخصص است. تاکید می‌کنم که این جمله مرا را پای بی‌احترامی و توهین نگذارید، چراکه افراد متخصصان جهان متفاوتی با خالقان اثر دارند و تمایلی هم برای ورود به دنیای خالقان آثار هنری ندارند. در چنین فضایی درک متقابل هنری صورت نمی‌گیرد.

بهتر است قصه‌ای از سال‌های پیش برایتان روایت کنم. در دوران دانشجویی، همایشی برای پیشگیری و مبارزه با بیماری ایدز راه انداختیم و یکی از کارشناسان مربوطه را دعوت کردیم. ایشان برایمان تعریف کرد که به روستایی رفته بودند؛ آنجا به پیرزنی که کنار رودخانه‌ای پرشتاب نشسته بود و ظرف‌هایش را می‌شست، گفتند در این روستا بیماری ایدز مشاهده شده و باید ضدعفونی عمومی صورت گیرد تا میکروب‌ها کشته شوند. پیرزن پرسیده بود: «ضدعفونی و میکروب چیه؟» آن‌ها توضیح داده بودند که میکروب‌ها؛ موجودات بسیار کوچکی هستند و ممکن است باعث بیماری شوند. پیرزن باز هم در جواب گفته بود: «این آب، گاو به آن بزرگی را می‌برد و آن وقت چگونه میکروب به این کوچکی را نمی‌برد؟» ماجرای افراد غیرمتخصص هم همین است. من چطور می‌توانم به برخی افراد تصمیم‌گیر توضیح دهم که پلتفرم نه تنها حیات نظام را تایید می‌کند؛ بلکه وجود آن ناشی از ضرورت‌های امروز جامعه است. چطور باید به برخی از مدیران گفت نمی‌توانند همه چیز را زیر نظر خود قرار دهند و آنطور که آنها می‌خواهند دیگران را به اندیشیدن واداشت.

**◆ از نظر شما با تغییر مدیران، امیدی به تحول و حرکت رو به جلویی وجود دارد؟**

از نظر من تغییر تنها چند مدیر چندان چاره کار نیست بلکه سیستم امروزی رسانه ملی باید تغییرات زیربنایی در خودش داشته باشد. این سیستم آنقدر گرفتار شعارها و برخی سطحی‌نگری‌ها شده که اگر مدیر خوبی یا حتی «سوپر من» هم به آن وارد شود، نمی‌تواند کار چندانی انجام دهد و طرحی نو دراندازد. به اعتقاد من؛ صداوسیما نیازمند اصلاحاتی‌ست که آرام آرام در آن اتفاق بیفتد، کمااینکه وضعیت فعلی هم نوید همین تغییرات آرام آرام است. رسانه ملی نیازمند زمان و تحول است تا نگرش‌های تصمیم‌گیر در آن تحولاتی به نفع جامعه‌ی مخاطب داشته باشند.

*در پایان آیا تولید و پخش سریال «ممیزی» ادامه خواد داشت؟

بله، فصل دوم تمام شده است و در حال بستن قراردادی برای ساخت فصل سوم «ممیزی» با پلتفرم «فیلیمو» و وحید آقاپور هستیم. اگر مشکل یا مسئله‌ای در روند مجموعه پیش نیاید، فصل سوم را خواهیم ساخت.

---

یک پژوهشگر تاریخ:

# کتاب‌های درسی ایرانی نیستند!

**بخش فرهنگی** – احمد محیط طباطبایی مدعی است کتاب‌های درسی به‌ویژه کتاب اول دبستان بی‌بهره از هرگونه هویت و نشانه‌های ایرانی است و در واقع این کتاب‌ها را نمی‌توان ایرانی دانست.

این پژوهشگر، مورخ و رییس ایکوم ایران (رییس کمیته ملی موزه‌ها در ایران) که در مناسبت هفته میراث فرهنگی این بحث را مطرح کرد، در گفت‌وگو با ایسنا در توضیحات بیشتر اظهار کرد: سال‌ها پیش وزارت آموزش و پرورش از ما خواسته بود درسی برای میراث فرهنگی برای تدریس در مدارس تهیه کنیم، پاسخ ما این بود که اصلا لازم نیست در مدارس درسی مشخصا برای میراث فرهنگی تدریس شود همین که از همان اول ابتدایی برای آموزش «میم»، «موزه» را مثال بزنید بخش زیادی از مشکل حل می‌شود. اگر در کتاب اول ابتدایی می‌نوشتیم میم مثل موزه، دیگر لازم به تدوین یک درس برای میراث فرهنگی و کارهای دیگر نبود.

او درباره برخی مقاومت‌ها در برابر واژه «موزه» که آن را فارسی نمی‌دانست و دنبال جایگزین‌هایی برای آن بود، گفت: موزه یک مفهوم جهانی است، مثل «مادر» که در هر زبان و فرهنگ از یک واژه مشترک برای آن استفاده می‌شود. زمانی فرهنگستان زبان و ادب پارسی، «گنجینه» را جایگزین واژه موزه کرده بود و یادم هست موزه ملی را این‌طور معرفی می‌کردند «گنجینه موزه ملی ایران» و یا در پوستر روز جهانی موزه در سال ۱۳۷۷ نوشته شده روز جهانی گنجینه‌ها و کلمه موزه را داخل پرانتز قرار داده بودیم. پس از سه سال بحث و مذاکره سرانجام دکتر حبیبی ـ رییس وقت فرهنگستان زبان و ادب پارسی ـ پذیرفتند موزه همان موزه باشد. مفهوم کردیم که موزه به ازای خودش است و اصلا موزه مفهوم گنج ندارد و گنج اصلا معنی دیگری دارد. مثل کلمه تاریخ که اگرچه ممکن است در زبان‌های مختلف به شکل‌های گوناگون تلفظ شود، اما اشتراک جهانی دارد و ریشه آن در تمام زبان‌ها یکسان است.

محیط طباطبایی ادامه داد: اوایل دهه ۸۰ بود که آقای جعفر علاقه‌مندان معاون وزیر وقت آموزش و پرورش روزی آمدند و گفتند می‌خواهند به میراث فرهنگی کمک کنند و درخواست کردند یک کتاب درسی درباره میراث فرهنگی بنویسیم. گفتم میراث فرهنگی به کتاب درسی جداگانه نیاز ندارد. باید کتاب اول ابتدایی تا فیزیک و شیمی و دیگر کتاب‌های درسی همه مقاطع و رشته‌ها را به ما بدهید تا بررسی کنیم و بگوییم میراث فرهنگی یعنی چی. حتی گفتم من اگر جای شما بودم به آنچه هویت ماست، مثل دینی و نماز اصلا نمره نمی‌دادم، چون این درس‌ها هویت ما است و دانش‌آموز باید با علاقه آن را یاد گیرد، یا چطور می‌شود به

میراث فرهنگی که هویت است نمره داد؟ مثلا به یک دانش‌آموز به خاطر درس میراث فرهنگی نمره ۱۴ بدهیم، چقدر ابلهانه است!

او با بیان این‌که در کل نظام آموزش و پرورش و نه فقط کتاب درسی، آنچه باید اهمیت داشته باشد برنامه درسی است که باید مبتنی بر میراث فرهنگی باشد، افزود: میراث فرهنگی هویت است، به این معنی که وقتی دیپلم می‌گیرید، دیپلم شما باید هویت ایرانی داشته باشد، ولی الان این‌گونه نیست، می‌توانیم دیپلمی را که اکنون آموزش و پرورش به دانش‌آموزان می‌دهد متعلق به هر کجای دنیا بدانیم، چون خیلی از درس‌هایی که در کشور ما آموزش داده می‌شود با بسیاری از کشورها مشترک است، پس تفاوت آن در چیست؟ مرز و تفاوت ما در جایی است که هویت ما معنی پیدا می‌کند، خلائی که اکنون وجود دارد.

این پژوهشگر تاریخ ادامه داد: ما کتاب اول دبستان را به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش بررسی کردیم، در کتاب آن سال‌ها ـ الان را نمی‌دانم ـ یک خانواده ایرانی چهارنفره بود که روی موکت نشسته بود، درخواست کردیم به جای موکت فرش جایگزین کنند. در یک درس هم عکسی از مسجدی در ناکجا آباد بود بی‌هویت، پیشنهاد کردیم طرحی از مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان و یا سپهسالار را جایگزین کنند تا شناسه‌ای از ایران وجود داشته باشد. یا در یک درس خیابانی بی‌نام و نشان بود، پیشنهاد کردیم یکی از خیابان‌های شناخته‌شده ایران را از جمله ولیعصر (عج) یا چهارباغ اصفهان را به تصویر بکشند تا این خیابان هویت داشته باشد. از همه جالب‌تر ظرف میوه‌خوری این خانواده بود که درون آن با میوه‌هایی چون کیوی و موز و ... پر شده بود، پیشنهاد دادیم از تصویر میوه‌هایی مثل انار، سیب و انگور که در ادبیات ایران هم مستتر است، استفاده شود. یکسری کتاب در کتابخانه آن خانواده دیده می‌شد که عنوان نداشت، پیشنهاد کردیم روی این کتاب‌ها عنوان بوستان، گلستان، شاهنامه و حتی نهج‌البلاغه و یا هر آنچه هویت ایرانی دارد، اضافه شود. درخواست هم کردیم میم را موزه مثال بزنند. تلاش کردیم این کتاب هویت‌دار شود تا دانش‌آموزان الفبا را مبتنی بر یکسری نشانه فرهنگی یاد بگیرند، نه این‌که در فضایی که مثلا خیابان آن در هر نقطه و هر کشور دیگری می‌تواند باشد قرار بگیرند. باید مشخص شود این داستان در یک خانه و خانواده ایرانی رخ می‌دهد. او اضافه کرد: ما قصد داشتیم دامنه این هویت‌سازی را حتی تا زنگ ورزش گسترده کنیم و بازی‌های بومی ایران را آموزش دهیم. یا مثلا در علوم ابتدایی وقتی از دایناسورها و نسل خزندگان صحبت می‌شود مثال‌هایی از ایران همچون نهبندان و مراغه که نمونه‌هایی از آن دوره یافت شده است، بیاوریم. نمی‌خواستیم درباره بقایای ماموت‌ها در یلواستون آمریکا (YELLOWSTONE) صحبت کنیم، نه این‌که مثال از خارج کشور نداشته نباشیم، دغدغه این بود که دانش‌آموز ایرانی ناخودآگاه و غیرمستقیم در معرض فرهنگ اصیل خود قرار گیرد و با آن عجین شود. ایرانی‌شدهٔ این درس‌ها برای ما ارزش پیدا می‌کند.

محیط طباطبایی بیان کرد: مشکل اصلی این است که کتاب‌های درسی، زیربنایی از هویت و شناخت ایران ندارند، فکر می‌کنم فقط در کتاب‌های جغرافیا نشانه‌هایی از ایران را بتوان پیدا کرد که مثلا توضیحاتی درباره استان‌ها داده شده که البته خیلی خیلی کم است.

این پژوهشگر تاریخ درباره سرانجام این بررسی‌ها و پیشنهادها، گفت: متاسفانه این اتفاق هرگز رخ نداد، آقای علاقه‌مندان ـ معاون وزیر وقت آموزش و پرورش ـ فوت کردند و این طرح تا الان نیمه‌کاره رها مانده است.

---

خبر

## مسعود کیمیایی تهیه‌کننده سومین فیلم علی عطشانی شد

**بخش فرهنگی** – مسعود کیمیایی تهیه‌کنندگی فیلم «ستاره‌ها بدون تاریکی نمی‌درخشند» به کارگردانی علی عطشانی که قرار است با بازی پولاد کیمیایی در هالیوود ساخته شود را بر عهده گرفت.

به گزارش ایلنا، بنا بر اعلام سایت خبری هالیوود نیوز پرس، مسعود کیمیایی تهیه‌کنندگی فیلم «ستاره‌ها بدون تاریکی نمی‌درخشند» به کارگردانی علی عطشانی را بر عهده گرفته است. «ستاره‌ها بدون تاریکی نمی‌درخشند» سومین فیلم هالیوودی علی عطشانی است که قرار است به زودی و با بازی پولاد کیمیایی و دو بازیگر سیاهپوست آمریکایی مقابل دوربین برود.

در متن خبر منتشر شده در هالیوود نیوز پرس آمده است: «علی عطشانی کارگردان سرشناس ایرانی که پیش از این فیلم‌های «اولین متولد» و «لوتریا» را در هالیوود کارگردانی کرده است، قرار است جولای امسال ساخت فیلم سینمایی «ستاره‌ها بدون تاریکی نمی‌درخشند» را در لس آنجلس آغاز کند.

مسعود کیمیایی فیلمساز مطرح و مشهور ایرانی که یکی از کارگردانان مطرح سینمای ایران و موج نو در سینمای خاورمیانه است، تهیه‌کنندگی فیلم جدید علی عطشانی محصول کمپانی برایت لایت فیلم آمریکا را برعهده دارد.

پولاد کیمیایی فرزند مسعود کیمیایی که پیش از این در یکی از فیلم‌های قبلی علی عطشانی در ایران با او همکاری داشته نیز از بازیگران مطرح این فیلم است. پیش از این نام مجید میرفخرایی از طراحان صحنه پیشکسوت ایرانی به عنوان طراح صحنه این فیلم در صفحه IMDB فیلم اعلام شده بود.

برخی از عوامل این فیلم که در صفحه IMDB آن منتشر شده است، عبارتند از: نویسنده و کارگردان: علی عطشانی، تهیه کننده: مسعود کیمیایی، مهدی منصوری، ادوین آونس، طراح صحنه: مجید میرفخرایی، طراح گریم: فرزانه زردشت، دستیار اول کارگردان و برنامه ریز: هومن سپنتامهر، طراح لباس: ملیکاسادات اسماعیلی، الناز باقری، طراح گریم: فائزه السادات موسوی.»

## پخش «افسانه جومونگ» و «دزد و پلیس» از شبکه تماشا

بخش فرهنگی - سریال‌های «دزد و پلیس» و «افسانه جومونگ» به روی آنتن شبکه تماشا می‌روند.

به نقل از روابط عمومی شبکه تماشا، مجموعه تلویزیونی «دزد و پلیس» به کارگردانی سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی محسن چگینی از روز شنبه، ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ از این شبکه پخش می‌شود.

داستان سریال «دزد و پلیس» درباره ناصر کاظمی، خلافکاری معروف و سابقه‌داری است که در اثر یک ضربه ناشی از وقوع یک تصادف به سر او حافظه خود را از دست می‌دهد. ناصر پس از وقوع این تصادف شخصیت دیگری پیدا کرده و وقتی که می‌بینند همه از او می‌ترسند سعی می‌کند که اشتباهات خودش را جبران کند ...

بهنام تشکر، هومن برق نورد، شقایق دهقان، مرجانه گلچین، حمید لولایی و بیژن بنفشه از جمله نقش آفرینان این سریال طنز هستند. سریال «دزد و پلیس» هر شب ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه تماشا پخش شده و در ساعات ۲ بامداد، ۸ صبح و ۱۴ روز بعد تکرار آن به روی آنتن می‌رود.

همچنین، کنداکتور شبکه تماشا در آخرین ماه بهار دچار تغییرات شده است و از روز گذشته سریال «افسانه جومونگ» جایگزین «تماشاگر» در باکس ثابت سریال‌های شرقی (ساعت ۱۹) شده است.

از پنجشنبه، ۵ خرداد ماه نیز سریال «دفتر حقوقی» جایگزین سریال «هانا» در باکس سریال‌های اکشن (ساعت۲۲) می‌شود.

داستان سریال درباره دادستانی به نام مایکل مک دیر و خانواده‌اش است. آن‌ها پس از گذراندن ۱۰ سال سخت که تحت حمایت طرح محافظت از شاهدان بوده اند، اکنون از این طرح رها شده‌اند و می‌خواهند برای آینده‌ای بهتر زندگی کنند. بی‌خبر از اینکه گذشته خطرناک آن‌ها هنوز در کمین نشسته و مشکلات جدیدی در گوشه و کنار آن‌ها را تهدید می‌کند.

## همکاری امین زندگانی با نمایش پروین اعتصامی

**بخش فرهنگی** – بازیگر نقش« سرهنگ »، نمایش «پروین» به نویسندگی و کارگردانی حسین کیانی و تهیه کنندگی داود نامور معرفی شد.

به گزارش ایسنا ، طبق اعلام روابط عمومی نمایش، امین زندگانی بازیگر دانش‌آموخته‌ی دانشگاه هنر، با نقش سرهنگ، همسر سابق پروین اعتصامی در نمایش «پروین» به نویسندگی و کارگردانی حسین کیانی به سالن اصلی تئاتر شهر خواهند آمد.

در کارنامه‌ی کاری وی می‌توان به همکاری با کارگردانانی چون آزیتا حاجیان، داود میرباقری، سیروس مقدم، ابراهیم شیبانی، قاسم جعفری، اصغر توسلی، داریوش فرهنگ، علیرضا افخمی، رضا گوران ، چیستا یثربی، فلورا سام، سید جواد هاشمی، علی قوی‌تن، محمود عزیزی، اکبر زنجان‌پور، ضیاالدین دری، هادی مرزبان و ... اشاره کرد.

وی جایزه‌ی بهترین بازیگری مرد را در سال ۱۳۷۴ از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر دریافت کرده است، همچنین وی در سال ۱۳۸۰ دومین بازیگر منتخب مردم از بین سریال‌های پخش شده در طول چهار سال از شبکه سوم سیما شده است. نمایش «پروین» به قلم و کارگردانی حسین کیانی و تهیه کنندگی داود نامور از هشتم خردادماه در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر با حمایت انتشارات آنجا و پوشاک بانوان گت به روی صحنه خواهد رفت.

پیش از این حضور اکرم محمدی، مهران رنجبر، جواد یحیوی، مجید رحمتی، هوشنگ قوانلو، سهیل ملکی، مریم ندایی و آتنا تندرو در این اثر قطعی شده است.

همچنین شبیه‌ترین بازیگر ایرانی به پروین اعتصامی برای بازی در نقش «پروین» به زودی معرفی می‌شود.

علاقه مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر صفحه‌ی گروه تئاتر ملی چریکه به آدرس CHERIKE_THEATRE را در اینستاگرام دنبال کنند.